

یکشنبه 9 شهریور 1399 - 10 محرم 1442 - 30 آگوست 2020

ناپدید شدن "امام موسی صدر" رهبر شیعیان لبنان (1357 ش)



ناپدید شدن "امام موسی صدر" رهبر شیعیان لبنان (1357 ش)، امام موسی صدر در سال 1307 ش (1343 ق) در شهر مقدس قم دیده به جهان گشود. پس از تکمیل دروس مقدماتی، از محضر علمی و معنوی آیات عظام سیدصدرالدین صدر (پدرش)، سید محمد محقق داماد، سید حسین بروجردي و امام خمینی(ره) کسب فیض نمود. سپس عازم نجف اشرف شده و از محضر عالمان و فقیهان آن دیار نیز بهره‌مند گردید و به درجه اجتهاد نائل آمد. امام موسی صدر پس از وفات آیت‌الله سیدعبدالحسین شرف‌الدین، رهبر شیعیان لبنان را به عهده گرفت و آنان را از وضعیت ناهنجار فرهنگی، اجتماعی و سیاسی رهایی بخشید و در برابر دسیسه‌های دشمنان اسلام، آنان را در تشکیلات "حرکت المحرومین" متشکل ساخت. این مجاهد نستوه و خستگی‌ناپذیر با هدف ایجاد اتحاد بین اعراب و جلب حمایت کشورهای عربی و متقاعد ساختن آنان به منزوی کردن اسرائیل متجاوز و تحریم هرگونه رابطه با اشغالگران فلسطین و به منظور تقویت جنبش محرومین و تهیه سلاح، به کشورهای مختلف سفر می‌کرد. امام موسی صدر، به تدریج جزء بزرگترین شخصیت‌های سیاسی جهان به شمار آمد و در پی دعوت رسمی دولت لیبی، به این کشور سفر نمود، ولیکن بر اثر توطئه دشمنان انقلاب اسلامی، در همان سفر ناپدید شد. گرچه اخبار ضد و نقیضی درباره زندانی بودن وی منتشر می‌شود، با این حال هنوز اطلاعات موثقی از ایشان به دست نیامده است.

آیت‌الله حاج میرزا محمد باقر صالحی مازندرانی (1352 ق) در یکی از روستاهای توابع قائم‌شهر در استان مازندران به دنیا آمد. وی مقدمات حوزوی را در بابل، تهران و قم آموخت و از سال 1333 ش دروس خارج را از محضر استادان مشهد مقدس فرا گرفت. آیت‌الله صالحی از سال 1339 ش مقیم قم شد و از محضر درس حضرات آیات: سید حسین بروجردي، سید محمد محقق داماد، سید محمدرضا گلپایگانی، میرزاهاشم آملی، علامه طباطبایی و امام خمینی(ره) استفاده‌های شایانی برد. وی همزمان به تدریس سطوح فقه و اصول و کلام و فلسفه و تفسیر اشتغال داشت و شاگردان فراوان پرورش داد. آیت‌الله صالحی مازندرانی در جریان انقلاب اسلامی، در مسیر مبارزه علیه رژیم پهلوی از هیچ کوششی فروگذار نمی‌کرد و نامش همواره در ذیل اعلامیه‌های جامعه مدرسین حوزه علمیه قم دیده می‌شد. در پی فعالیت‌های سیاسی آیت‌الله صالحی، ایشان در سال 1353 و 54، دستگیر و زندانی شد. این فقیه انقلابی همچنین در سال 1357، سخنرانی‌های متعدد در استان یزد و کرمان علیه رژیم ایراد نمود. آیت‌الله صالحی پس از پیروزی انقلاب اسلامی از خدمت به نظام باز نایستاد و عهده‌دار دو دوره نمایندگی مجلس خبرگان رهبری از استان مازندران بود. همچنین از این فقیه جلیل آثار ارزشمندی بر جای مانده که مفتاح البصیرة در فقه در 3 جلد، استفتائات در 2 جلد، احکام جوانان و بانوان، ولایت فقیه و دوره کامل اصول فقه از آن جمله‌اند. این عالم فقیه سرانجام در بامداد روز نهم شهریور 1380 برابر با 11 جمادی الثانی 1422 در زادگاهش بدرود حیات گفت و پس از تشییع کم سابقه در ساری و سپس قم، در حرم مطهر حضرت معصومه(س) در قم به خاک سپرده شد.

انفجار بمب در حرم امام رضا(ع)، عاشره ای حسینی توسط منافقان (1415 ق)، در بغداد طهر عاشورای سال 1415 ق برابر با 30 خرداد 1373 ش، در حالی که مردم عزادار، در اوج برگزاری مراسم بزرگداشت قیام تاریخی امام حسین(ع) بودند، بمبی در داخل حرم مطهر و نزدیک مرقد منور حضرت ثامن الحجج امام رضا(ع) منفجر شد و عاشورای حرم رضوی در مشهد مقدس رقم خورد. در پی این انفجار، ده‌ها تن از زائران و

علاقه‌مندان اهل بیت در حرم امام رضا(ع) شهید یا مجروح شدند و خسارت زیادی به حرم مطهر وارد آمد. عاشره ای حسینی و شهادت "امام حسین(ع)" به هم او باران وفاداری، در صحای کربلا توسط سپاه نژاد (961)، امام حسین(ع) پس از حرکت به سوی کوفه، با پیمان شکنی مردم آن سامان مواجه گردید. سپاهیان یزید که به دستور عبیدالله بن زیاد و به فرماندهی عمر بن سعد وارد صحرای کربلا شده بودند، مانع از رفتن امام از آن مکان گردیدند. سرانجام در دهم محرم سال 61 هجری دستان خود را به خون پاک فرزند رسول(ص) آغشته ساخته و یارانش را به شهادت رساندند. امام حسین(ع) در هنگام شهادت 57 سال داشتند و یازده سال از امامت ایشان گذشته بود. امام حسین(ع) از روز نخست از مدینه با شعار امر به معروف و نهی از منکر حرکت کرد. از این دیدگاه، منطق امام حسین(ع) منطق اعتراض و تهاجم بر حکومت ضد اسلامی بود، منطق او این بود که چون جهان اسلام را منکرات و فساد و آلودگی فراگرفته و حکومت وقت به صورت سرچشمه و فساد درآمده است، او به حکم مسؤولیت شرعی و وظیفه‌های الهی خود، باید قیام کند.

شهادت عالم مبارک "میرزا علی ثقة الاسلام" تبریزی توسط عواما، در تبریز (1330 ق)، میرزا علی ثقة الاسلام تبریزی فرزند میرزا موسی، در سال 1377 قمری در خانواده‌های علم و دیانت دیده به جهان گشود. در ایران و عتبات عالیات و در حوزه‌های درس اساتید بزرگی چون فاضل اردکانی، شیخ زین‌العابدین

عاشق، واقعه جانگذا، کربلا
روز عاشورا، پُراوازه ترین روز سال و خاطره آمیزترین روز تاریخ بشری است. در این روز بزرگ پایمردی، فداکاری و سربلندی گروه اندکی از انسان های به خدا پیوسته در برابر خیل عظیم و کثیر دشمنان و جنایت پیشه گان به نمایش درآمد. این روز، روز فداکاری امام حسین علیه السلام و یاران باوفای وی می باشد و تا ابد به آنان تعلق خواهد داشت. در این روز، حوادث و رویدادهای مهمی در سرزمین کربلا به وقوع پیوست که برای همیشه در تاریخ انسان ها ثبت و درج خواهد ماند.

در این جا به طور گذرا به اهم رویدادهای عاشورای سال 61 قمری اشاره می کنیم:

1- تنظیم صفوف سپاه
امام حسین علیه السلام پس از نماز صبح عاشورا، سپاه کم تعداد خود را که متشکل از 32 تن سواره و 40 تن پیاده بودند، به سه دسته تقسیم کرد. دسته اول را در بخش میمنه به فرماندهی زهیر بن قین، دسته دوم را در بخش میسره به فرماندهی حبیب بن مظاهر و دسته سوم را در قلب سپاه به فرماندهی خود آن حضرت تقسیم بندی کرد. همچنین آن حضرت، بیرق سپاه را به برادرش حضرت عباس بن علی علیه السلام واگذار و نیروهای خود را در جلو و خیمه گاه را در پشت سر آنان قرار داد.

عمر بن سعد نیز فرماندهی میمنه سپاه خود را به عمرو بن حجاج، فرماندهی میسره را به شمر بن ذی الجوشن، فرماندهی سواره نظام را به عروه بن قیس و فرماندهی پیاده نظام را به شیب بن ربیع وا گذاشت و بیرق سپاه را بدست غلامش "درید" سپرد.

2- معظه های امام حسین علیه السلام
امام حسین علیه السلام پیش از آغاز نبرد، بارها برای اندرز سپاه کفر پیشه دشمن، پیش قدم شد و با بیان خطبه های روشن گر، آنان را به حفظ آرامش و عدم خونریزی دعوت کرد و از جنگ و مبارزه بازداشت. آن حضرت، علاوه بر خود برخی از یاران خویش را نیز در این روز به نزد سپاهیان عمر بن سعد فرستاد و از طریق آنان، این سپاه گمراه را به هدایت و حقانیت دعوت کرد.

3- ندامت حر بن یزید
حر بن یزید که از فرماندهان سپاه عمر بن سعد و از دلاوران و دلیرمردان عرب بود، روز عاشورا پیش از آغاز درگیری رسمی، پشیمان شد و به سپاه امام حسین علیه السلام پیوست. با این که وی نخستین کسی بود که راه را بر امام حسین علیه السلام بسته و با اجبار و اکراه، آن حضرت را به سوی سرزمین کربلا گسیل داشت، با این حال مورد پذیرش اباعبدالله الحسین علیه السلام قرار گرفت و آن حضرت، توبه اش را پذیرفت و او را در جمع یارانش قرار داد.

پیوستن حر بن یزید و تعدادی از سپاهیان عمر بن سعد به سپاهیان امام حسین علیه السلام، دودلی و سردرگمی بسیاری از کفرپیشه گان را به دنبال داشت و حالت عجیبی در میان سپاهیان عمر بن سعد به وجود آورد.
4- هجوم سراسری دشمن
عمر بن سعد که تاب پیوستن افراد دیگری به سپاه امام حسین علیه السلام را نداشت، لشکریان خود را به جنبش درآورد و دستور حمله عمومی داد. در اندک مدتی دو سپاه به هم نزدیک شده و نبرد سختی آغاز گردید.

هر یک از یاران امام حسین علیه السلام با ده ها تن از سپاه دشمن به نبرد نابرابر و تن به تن پرداخت و هیچ سستی و تردیدی در وی ملاحظه نمی شد و این روحیه بالای رزمی و اعتقادی قوی، برای دشمن سنگین و کمرشکن بود. در این نبرد، حدود پنجاه تن از یاران امام حسین علیه السلام و صدها تن از سپاه دشمن کشته شدند.

5- نبرد انفرادی
دشمن که از نبرد سراسری و تهاجمی، نتیجه ای نگرفته بود به تدریج به سوی نبرد انفرادی روی آورد. زیرا اگرچه سپاه عمر بن سعد جملگی برای نبرد با امام حسین علیه السلام آمده بودند، ولی در میان آنان مردان زیادی بودند که جنگ با فرزندان رسول خدا صلی الله علیه و آله را روا نداشته و به اکراه و اجبار در سپاه عمر بن سعد قرار گرفته بودند. بدین جهت در کار نبرد عمومی و هجوم سراسری تعلل می ورزیدند و عمر بن سعد را در رسیدن به مقاصد پلیدش ناکام گذشته بودند. در این مرحله نیز تعدادی از سپاهیان امام حسین علیه السلام کشته شدند.

6- نماز ظفر عاشق
ابوتمامه صیداوی در گرماگرم نبرد، به امام حسین علیه السلام نزدیک شد و به آن حضرت عرض کرد که وقت زوال فرارسیده است. امام حسین علیه السلام که به نماز اهمیت ویژه ای می داد، دستور داد جنگ را متوقف کرده و همگی به نماز پردازند. دشمنان که به نماز اهمیت چندانی نمی دادند، آن حضرت و یارانش را در حال نماز نیز مورد هجوم ناجوانمردانه قرار داده و با پرتاب تیر آنان را نشانه می گرفتند.

عبدالله حنفی که خود را سیر امام حسین علیه السلام قرار داده بود، متحمل سیزده تیر دشمن شد و عاقبت در حال دفاع از وجود شریف امام حسین علیه السلام به لقاءالله پیوست.

7- شهادت سائر یاران امام حسین علیه السلام
پس از نماز ظهر عاشورا، باقیمانده یاران امام حسین علیه السلام شیرمردانی چون زهیر بن قین، نافع بن هلال، مسلم بن عوسجه، حبیب بن مظاهر، حر بن یزید، بریر بن خضیر و دلیرمردانی از بنی هاشم چون علی اکبر علیه السلام، عباس بن علی علیه السلام، قاسم بن حسن علیه السلام، عبدالله بن مسلم علیه السلام و افرادی دیگر در یاری مولا و سرورشان امام حسین علیه السلام جنگیدند و سرانجام

8- مبارزه و شهادت امام حسین علیه السلام
امام حسین علیه السلام پس از آن که همه یاران خود را از دست داد، بانوان عصمت پناه را در خیمه ای گردآورد و آنان را تسلی و دلداری داد و به صبر و شکیبایی سفارش نمود و با قلبی شکسته از آنان خداحافظی کرد. آن حضرت، فرزندش امام زین العابدین علیه السلام را که در بیماری سختی بسر می برد، جانشین خویش قرار داد و با او نیز وداع کرد و آماده نبرد با دشمن گردید. امام حسین علیه السلام به تنهایی، ساعاتی با نیروهای گسترده دشمن مبارزه کرد و تعداد زیادی از آنان را کشته و زخمی نمود.

خود آن حضرت نیز زخم های فراوانی در میدان مبارزه متحمل شد و بر اثر آن ها، از زین اسبش "ذوالجناح" به زمین افتاد و مورد هجوم وحشیانه دشمن قرار گرفت. سرانجام شمر بن ذی الجوشن، با قساوت و بی رحمی تمام به بدن خونین و کم رمق آن حضرت نزدیک شد و سر مبارکش را از قفا جدا کرد و بدین طریق، روح شریفش را به اعلی علین به پرواز درآورد. [۱]

پی نوشت:

1. نک: الارشاد (شیخ مفید)، ص 447؛ الفتوح (ابن اعثم کوفی)، ص 901؛ منتهی الآمال (شیخ عباس قمی)، ج 1، ص 342؛ لہوف سید بن طاووس، ص 114.

منبع: نرم افزار دایرة المعارف چهارده معصوم عليهم السلام
تولد "ا.نسبت، ا.د.قه.د" ف.ك.لم&دان ب.حسته ب.تانباه، (1871م)
ارنست راترفورد فیزیک&لم&دان انگلیسی و پدر انرژی هسته&لم&ای در 30 اوت 1871م در شهر نلسون زلاندنو به دنیا آمد. وی پس از اتمام تحصیلات مقدماتی در زادگاهش راهی کمبریج در انگلستان شد و از سال 1919م به استادی فیزیک تجربی دانشگاه کمبریج دست یافت. رادرفورد در این هنگام، تحقیقات و مطالعات خود را در راه تجزیه و تحلیل تشعشعات رادیواکتیو متمرکز کرد. رادرفورد در اوایل کار تحقیقاتی خود، با انجام آزمایشی که فکر آن از خود وی بود، دو تابش رادیواکتیوی ناهمانند، شناسایی کرد. وی اشعه اول را که تابشی با بار الکتریکی مثبت بود و به سهولت در مواد جذب می&لم&شد اشعه آلفا نام داد و اشعه دوم را که تابشی با بار الکتریکی منفی بود و تشعشع کمتری ایجاد می&لم&کرد اما قابلیت نفوذ آن در مواد، زیاد بود، اشعه بتا نامید. رادرفورد هم&لم&چنین پس از چندی اشعه سوم را که شبیه پرتوهای ایکس بود و نافذترین تابش را داشت، پرتو گاما نام&لم&گذاری کرد. وی سپس قسمتی از اشعه صادر شده از عنصر رادیواکتیو رادیوم را در لوله&لم&ای جمع&لم&آوری کرد و پس از بررسی&لم&های فراوان، طیف هلیوم را که عنصر دیگر رادیواکتیو است در آن مشاهده نمود. رادرفورد در این آزمایش متوجه شد که ذره آلفا، همان اتم&لم&های هلیوم است. رادرفورد در سال 1903م به عضویت انجمن سلطنتی لندن درآمد و در سال 1904م نخستین کتاب خود به نام فعالیت تشعشعی را منتشر کرد. شهرت روزافزون رادرفورد در مجامع علمی سبب شد که از طرف دانشگاه&لم&ها، تصدی کرسی&لم&های استادی زیادی به وی پیشنهاد شود. از این رو، رادرفورد در دانشگاه منچستر، رهبر گروهی شد که به سرعت دست به کار تدوین نظریه&لم&های تازه درباره ساختار اتم شد. وی در سال 1908م به دلیل تحقیق در زمینه فعالیت تشعشعی عناصر، موفق به اخذ جایزه نوبل شیمی شد. بزرگ&لم&ترین دست&لم&آورد علمی رادرفورد در این سال&لم&ها، کشف ساختار هسته اتم بود که این امر، دانش فراوانی درباره ماهیت ماده برای جامعه علمی به ارمغان آورد. او آشکارا بزرگ&لم&ترین فیزیک&لم&دان آزمایشگر زمان خود بود و به دلیل پژوهش&لم&های طولانی درباره اتم به پدر انرژی هسته&لم&ای شهرت یافت. رادرفورد اتم را موجود سختی می&لم&دانست که یک منظومه شمسی بسیار ریز متشکل از ذرات بی&لم&شمار است که دارای اسرار نهفته فراوانی می&لم&باشد. ارنست رادرفورد سرانجام در یازدهم ژوئن 1937م در 66 سالگی درگذشت.

مگ "گتفند کل" ادب و نویسندہ معروف سہئسی (1890م) گوٹفرید کِلر، شاعر و داستان‌نویس برجستہ سوئسی در یازدهم فوریه 1819م در زوریخ سوئیس به دنیا آمد و در کودکی پدر را از دست داد. کلر در آغاز به هنر نقاشی شوق فراوان نشان داد و با کمک مالی مادر به مونیخ آلمان رفت تا کار هنری را آغاز کند. پس از دو سال، از نقاشی سرخوردگی یافت و استعداد خود را برای ادامه کار کافی ندانست. در بازگشت به زوریخ، علاقه به سیاست او را به محیط مهاجران سیاسی آلمانی کشاند و ذوق شاعری و نویسندگی را در او بیدار کرد. کلر در سال 1846م، نخستین دیوان کوچک خود را انتشار داد که رنگ میهن‌پرستانه داشت و موجب شد که شاعر از طرف دستگاه حکومت، بورس تحصیلی دریافت نماید. اما وی در دانشگاه تحت نظر برخی استادان خود، به استواری عالم دنیوی و بی‌ایمانی به خدا روی آورد. وی سپس راهی برلین در آلمان گردید و در طی اقامت پنج ساله در آن شهر، معلومات خود را وسعت بخشید. پنج سال اقامت در برلین نه تنها از نظر خلق آثار برای کِلر زندگی پرثمری بود، بلکه در سراسر زندگی او نیز اثری عمیق بر جای نهاد و درباره مسائل اجتماعی تجربه بسیاری برایش فراهم آورد که همه آنها در آثارش با لحنی انتقادی و آموزنده و در عین حال طنزآمیز نمودار شده است. کلر در طی سال‌های بعد با انتشار چندین رمان موفق، به شهرت فراوانی دست یافت و احترام زیادی پیدا کرد. برخی از آثار وی به ویژه مجموعه داستان‌های مردم زلدوِیلا، آینه منعکس کننده دنیای واقعی است که از نظر ترسیم چهره‌ها، بسیار طبیعی و ستودنی جلوه می‌دهد و از نظر اخلاقی و روحی با طنزی لطیف و پرجاذبه همراه

است. این اثر از پیروزی بسیار برخوردار گشت و شهرت کُمر را از مرزهای ادبی آلمان فراتر برد. وی در رمان مردم زلدویلا به وسیله هجوی آمیخته با حسن نیت، با عشق به میهنش، معایب و نقایص اخلاقی هموطنانش را بیان می‌کند و در ضمن ادراک خود را از زندگی، فلسفه و مذهب آشکار می‌سازد. کُمر در رمان هفت افسانه، با زبان طنز هم عالم مسیحیت را به مسخره گرفته و هم دنیای کفر و الحاد را و عقیده خود را مبنی بر نمای غیر روحانی و دنیوی مذهب و رهایی از قید کشیشی ابراز داشته است. کُمر پانزده سال نیز به عنوان فرماندار یکی از ایالت‌های سوئیس به خدمت پرداخت که در این دوران از میزان فعالیت‌های ادبی وی کاسته شد. به طور کلی، اشعار جوانی کُمر تحت تأثیر شعرهای عامیانه قرار گرفته که غالباً برای آنها آهنگ ساخته شده و جزو فرهنگ ملی گشته است. اشعار دوره‌های بعد بیشتر جنبه فلسفی دارد و اندیشه او را بیان می‌کند. کُمر در طنز استاد است و گرچه شهرت او بیشتر در داستان‌نویسی بود، اشعار وی نیز مورد ستایش فراوان قرار گرفته است. کُمر از بزرگ‌ترین شخصیت‌های ادبی آلمانی زبان سوئیس در قرن نوزدهم است که آثارش بیش از دیگران خواننده داشته و نفوذش تا امروز در نویسندگان کشورش باقی مانده است. رمان‌های هم‌چون مارتین زالندر، داستان‌های زوریخ و دیوان جدید و دیوان کامل از دیگر آثار کُمر هستند. زیگفرید کُمر سرانجام در 30 اوت 1890م در 71 سالگی درگذشت.

مازندرانی و شیخ علی یزدی کسب فیض نمود. در سال 1308 قمری به تبریز مراجعت نموده و به تدریس علوم اسلامی و رسیدگی به امور مذهبی و اجتماعی مردم همت گماشت. وی در قیام و حکومت ملی مردم آذربایجان، به ویژه شهر قهرمان‌پور تبریز فعالیت چشمگیری داشت. قزاق‌های روسیه‌ای تزاری که به پشتیبانی حکومت استبدادی محمدعلی شاه قاجار، تبریز را به اشغال نظامی خود در آورده بودند، با قیام مردمی این شهر به رهبری ثقة‌الاسلام تبریزی مواجه شده و پس از درگیری سنگین، مفتضحانه شهر را ترک نموده و تن به صلح دادند. اما مرتکب خیانت شده و یک روز پس از امضای صلح‌نامه و خلع سلاح مجاهدین، توپخانه‌هایشان، آتش بار سنگینی را بر شهر تبریز آغاز کرده و زمینه‌ای ورود پیاده نظام را فراهم نمودند. شهر، به اشغال قزاق‌ها درآمد و از سوی اشغال‌گران، کشتار بی رحمانه‌ای در خیابان‌ها و کوچه‌ها به راه افتاد. مردم به ناچار شهر را ترک گفته و به اطراف پناهنده شدند ولیکن مجاهدین، سنگر خویش را ترک نکرده و از شهر خارج نشدند. بسیاری از آنان که در شهر مانده بودند، دستگیر شده و برخی از آنان به دار کشیده شدند. از جمله شهید ثقة‌الاسلام تبریزی پس از تحمل شکنجه‌های فراوان، به چوبه‌ای‌ری‌دار اشغالگران آویخته شد و در عصر عاشورای 1330 ق برابر با 10 دی 1290 شمسی، روحش به لقاءالله پیوست. بدست دشمنان اهل بیت علیهم السلام، مظلومانه به شهادت رسیدند.